



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان  
است.  
**منصور حکمت**

۱۲۳

**جوانان کمونیست**

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۱۶ دی ۱۳۸۲  
۶ ژانویه ۲۰۰۴

سه شنبه ها منتشر میشود

## سمفونی بوزینگان!

علی راستین

دانشجو، ۲۰ ساله، تهران

«بوزینه ها ویلن میزدند تا صداهای دیگر را نشنوم، اما آتلر صداهای بلند بود که صدای بوزینگان را نشنیدیم.»

در حالیکه کمتر از یک ماه و نیم به انتخابات مجلس رژیم مانده است، از طرفی حال و روز رژیم دیدنی است و از طرف دیگر، با اینکه ناسیونال اسلامی ها میخواهند نشان دهند که «رخوت سیاسی» جامعه را فراگرفته، بر در و دیوار که هیچ حتی بر صندلی اتیوس ها شعارهای ضد انتخابات نوشته شده است که واقعا نشان دهند رخوت است!!!

### جنبش ناسیونال اسلامی تشویق یا ارباب؟

چیزی که در مختصات سیاسی نیروها در ایران بیش از هر چیزی محرز است، افول جنبش ناسیونال اسلامی است. این یک واقعیت است که هر چه روند انقلابی جامعه به جلو میرود و هر چه جنبش سلبی مردم اشکال ملموس، عینی، و اثباتی تری را به خود میگیرد، به همان میزان صف تمامی نیروهایی که به نوعی مبلغ «تغییر» و در عین حال حفظ ساختار موجود بودند، منزوی تر و بی ربط تر به زندگی واقعی و سیاسی مردم میشوند. وضعیت و سیاست کنونی طیف های مختلف جنبش ناسیونال اسلامی (ملی اسلامی) در رابطه به انتخابات مصداق همین حرف است.

جبهه مشارکت (در صورت تایید صلاحیت کاندیدهایش) خبر از شرکت وسیع در انتخابات و «تشویق» مردم به شرکت در انتخابات میدهد. شاید لحنش حالت ماتمسانه

صفحه ۲



## افشای اشک تمساح

جمهوری اسلامی» به اوج خود رسید. ماموران رژیم سراسیمه شده بودند. نقشه آنها برای سوء استفاده از احساسات شریف مردم باز اینبار هم به همت حزبی ها علیه خودشان تبدیل شده بود.

آنها طبق پیشه همیشگی شان با چوپ و چماق به صف تظاهرات حمله کردند، اما با واکنش سریع و کوبنده تظاهر کنندگان به داخل مرکز اسلامی رانده شدند و برای بار دوم بانبرویی بیشتر به صف تظاهرات حمله کردند که اینبار پلیس به دادشان رسید و حالتی درست کرد. تعدادی از جوانان انگلیسی که از این ماجرا باخبر شدند به صف تظاهرات پیوستند. یک آخوند در اعتراض به مراسم رژیم مرکز اسلامی را ترک کرد هنگامی که تظاهرات کنندگان شعار «آخوند برو گم شو» را سر دادند به صف تظاهرات نزدیک شد و گفت: «من هم با شما موافقم که جمهوری اسلامی مسئول این فاجعه است.» یک خانم که با عصبانیت از مرکز اسلامی بیرون آمد به صف تظاهرات پیوست و گفت: «من برای ادای احترام رفتم ولی آنها شروع به نوحه سرایی و دعا بجان رهبرشان کردند.» بیست ما در ساعت ۷ شب پایان پذیرفت و همزمان از چند کانال تلویزیونی و رادیو پخش شد. از جمله عکسی که مشاهده میکنید همراه با گزارش کوتاهی از تظاهرات حزب کمونیست کارگری در سایت بی بی سی انگلیسی چاپ شد.

حق ندارد در کشتاری که خود مسئول اصلی آن است مراسم ریاکارانه برگزار کند و از احساسات انسان دوستانه مردم در این مورد در اذهان عمومی برای خود آبرو بخرد. ما همدردی خود را با مردم بم اعلام می داریم و در همان حال نیز جمهوری اسلامی را برای بی کفایتی و چپاول اموال مردم و صرف بودجه های کلان برای نیروهای سرکوب محکوم میکنیم و متهم درجه اول میشناسیم. این رژیم باید در صندلی اتهام قرار بگیرد. ما اعلام می کنیم کمکهای خود را مستقیما و یا از طریق سازمانها مستقل به زلزله زدگان ارسال کنید. « این سخنان با شعار «مرگ بر

میکرد که اگر جمهوری اسلامی بر سر کار نبود خیلی میتوانستند زنده بمانند. همزمان صدها نسخه اطلاعیه حزب به زبان انگلیسی در میان مردم پخش شد. ماموران رژیم با دیدن این پلاکاردها جنب جوش بیشتری از خود نشان دادند. ساعت ۵ بعداز ظهر با سخنان سعید آرمان که از بلند گویی قوی پخش میشد، سکوت حاکم شکسته شد. او به فارسی و بهرام سروش به زبان انگلیسی هدف از این پیکت را این چنین اعلام کردند: «ما این جا جمع شده ایم که اعتراض خود را به جمهوری اسلامی اعلام داریم. به همه این را بگوییم که جمهوری اسلامی



### جمال کمانگر، لندن

غروب روز جمعه در لندن، رژیم اسلامی در صدد برگزاری مراسم نوحه سرایی و اشک تمساح ریختن برای قربانیان زلزله اخیر در بم بود. فعالین حزب کمونیست کارگری برای افشای حرکتی ریاکارانه رژیم در این مورد دست بکار شدند. آنها تعداد زیادی از خبرنگاران را برای این مراسم شان دعوت کرده بودند در همان حال واحد حزب در انگلیس هم خبر پیکت اعتراضی خود را به میدیای انگلیس رسانده بود. رفته رفته بر جمعیت حاضر افزوده میشد. ماموران رژیم احساس کرده بودند که احتمالا خیرهایی است اما جرات نزدیک شدن نداشتند. پلاکاردهای متعددی به زبان انگلیسی با این مضمون: «زلزله ای با همین مقیاس در کالیفرنیا ۳ کشته بر جای میگذازد اما در بم ۵۰۰۰۰» و «رژیم اسلامی مسئول اصلی تراژدی بم است»، و شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی» و پلاکاردی که عکس نوزاد چند روزه ای را نشان می داد و تاکید

## با قدرت مردم!

پیام بهرام مدرسی به جوانان و دانشجویان



تا درد و رنج از دست دادن دهها هزار انسان بیگناه را با عریذهای کثیفاسلامی شان صد چنان سنگین تر کنند. لشکریان سپاه و بسیج را روانه منطقه کرده اند. اعزام این نیروها نه برای کمک به مردم، که برای جلوگیری از اعتراض و تظاهرات بی سی انگلیسی چاپ شد.

صفحه ۲

حیرت زده مردم ایران و سراسر جهان، علنا کمکهای جمع آوری شده به زلزله زدگان را چپاول می کند و به سرعت می برد. صاحبان قدرت در ایران عملا راه کمک رسانی به بازماندگان این فاجعه انسانی را هم سد کرده اند. اکیپهای امداد را از محل دور میکنند. کار جستجو و امداد پزشکی تیهیهای خارجی را تمام شده اعلام میکنند. بجای آن، لشکر روضه خوانان و مفت خوران خود را روانه شهر بم کرده اند

تراژدی انسانی مردم در شهر بم و اطراف آن ابعاد بسیار بزرگتری از آنچه که میتوان تصور کرد را بخود گرفته است. بشریت متمدن در سراسر جهان نگران گسترش ابعاد خسارت انسانی زلزله، زندگی و سلامت بازماندگان است. رژیم اسلامی ایران مسبب اصلی کشته شدن بیش از سی هزار انسان بیگناه است. این حکومت فاسد، متعفن و مفت خور علاوه در مقابل چشمان

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

## با قدرت مردم!

آنها است. در کمال بی شرمی به زنان و دخترانی که با دستان خالی تلاش میکنند عزیزانشان را از زیر آوار خارج کنند، تذکر رعایت حجاب اسلامی را میدهند! علاوه بر اینها، کمکهای دولتهای خارجی به زلزلهزدگان بم برای حکومت ایران به پل و پنهانای برای تجدید روابط دیپلماتیکشان تبدیل شده است. چیزی که جایی و مفهومی برای اینها ندارد، انسان و زندگی آنهاست. این تصویر واقعی از رژیم ارتجاعی و کثیف اسلامی ایران، در سراسر جهان پخش شده است. زلزله بم با قربانیان بی شمارش و با برخورد غیر انسانی و سودجویانه دولت ایران، شاید از تلخ ترین تجربه های مردم ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی باشد.

این روزهای سخت و تلخ، حمایت وسیع و میلیونی مردم ایران و سراسر جهان را همراه خود دارد. جهان مردم ایران و بازماندگان فاجعه بم، شاهد تحرک میلیونی انسانی هستند

که از شهرها و محلات مختلف کشور، از دانشگاهها و مدارس، از کارخانجات و ادارات، زن و مرد، پیر و جوان، به یاری مردم بم شتافتند. این تصویر انسانی روی دیگر سکه زشت سودجویی سیاسی و اقتصادی دولت ایران است. جلوگیری از چپاول کمکهای جمع آوری شده، سازمان دادن محلی جمع آوری و ارسال این کمکها و انتقال آنها برای زلزلهزدگان بم، بخشی از یک تلاش و همدردی و کمک عظیم انسانی است که ما شاهد آن هستیم.

### جوانان! دانشجویان عزیز!

شما سهم بزرگی در ایجاد همبستگی و همدردی با مردم بم داشتهاید. این تلاش و این تصویر را باید تقویت کرد. باید به مردم بم و به تمام جهانیان نشان داد که در مقابل ارتجاع اسلامی که خود مستقیما بانی از دست رفتن دهها هزار انسان بیگناه است، صف مردم آزادخواه، صف بشریت متمدنی قرار دارد که خود راسا برای کمک به زلزلهزدگان بیپناخته است. صفی که جانیان اسلامی را میشناسد و مستقیما در مقابل این

اطلاعیه یا گزارش علنی همگان را از کارهای انجام شده و نتایج آنها در هر دوره مطلع کرد. همگان باید بدانند که مثلا چقدر پول جمع آوری شده است، این مبالغ صرف ایجاد چند خانه با چه استانداردی شده است، چه کسی و نهادهی بر خانه سازی یا تامین آن ها نظارت داشته است. چه پولی برای چه تعدادی خرج شده و غیره... و یک نسخه از این گزارشات و اطلاعیه ها برای ما ارسال شود.

۵- حضور و عضویت در این جمع ها و تشکلهای باید آزاد و بدون قید و شرط باشد. اما باید هوشیار بود که به رژیم امکان اینکه بخواهد در کار آنها دخالت کند و یا بنوعی آنها را کنترل کند، فراهم نشود. باید از ابتدا اعلام کرد که این نهادها و تشکل ها غیر دولتی است، توسط مردم اداره میشود و مستقیما زیر نظر مردم محل، یا دانشگاه یا کارخانه و یا ... فعالیت می کند.

۶- باید در مقابل تهدیدات یا فشارهای رژیم برای دخالت در کار این نهاد ها و یا کارشکنی در مقابل آنها، محکم ایستاد. ما میدانیم و همه مردم می دانند که مسئله دولت و حکومت کمک به آوارگان و زلزلهزدگان نیست!

سازماندهی کمک به بازماندگان زلزله بم توسط مردم باید بتواند دست دخالت حکومت اسلامی ایران را از سرنوشت مردم ایران کوتاه و کوتاه تر کند. باید در دل این کمک رسانی انسانی، قدرت مردم را برای دخالت در سرنوشت خود به میدان آورد. تنها راه تضمین اینکه کمک های جمع آوری شده به دست بازماندگان خواهد رسید، تنها راه تضمین اینکه پرونده رسیدگی به نیازهای انسانی بازماندگان بم به بهانه های مختلف بسته نخواهد شد، تنها راه تضمین اینکه درد و رنج بازماندگان کاهش یابد و تنها راه تضمین اینکه سرنوشت مردم بم در گوشه دیگری از جهنمی که حکومت اسلامی برای مردم ایران ساخته است، تکرار نخواهد شد، به میدان آوردن مردم سازمانیافته است. به میدان آمدن قدرت مردم تنها راه است. و جوانان و دانشجویان در این راه میتوانند نقش مهمی ایفا کنند.

۱۳ دی ۱۳۸۲

تلاش میکنیم تا با فشار اعتراض توده ای آنها متوقف نماییم. تا آنجا که به «امنیت» برمیگردد، تحت حضور نیروهای آمریکا در عراق امنیت بی معنی خواهد بود.



اسلامی به نظر میرسد) سپرده است. راجع به چنین «امنیت»ی چه فکر میکنید؟

و پاسخ لیلا محمود:

سیاست برقراری میلیشای شیعی کرد در بغداد، انعکاس شکست سیاست های آمریکا در عراق است و این سیاستی بسیار خطرناک است که ممکن است به جنگ داخلی منجر گردد. بعلاوه این سیاست دست احزاب ارتجاعی ناسیونالیست و مذهبی را باز میگازد تا اختناق و سرکوب را علیه نیروهای چپ، مترقی و کمونیست اعمال کنند. ما علیه این سیاست هستیم و

## از صفحه ۱ سمفونی بوزینگان!

امروزه پدیده شورش و انقلاب بعنوان یک راه حل جدی مطرح است، دانست.

اکثر کاندیداهای «نهضت آزادی» که تا دیروز جناح راست آن ها را «گروهک براننان» خطاب میکرد،

تایید صلاحیت شده اند. (ما بخیل ارباب پنهان است. قهرمانان «خوشونت ستیز» و «قانون گرا» و «جامعه مدنی» چی ما، همین آقایانی که نه برای صد هزار اعدام انسان، بلکه برای له شدن «پر یک گنجشک» عزا

میکرفتند، امروز به سیاست «ارباب تلویحی» روی آورده اند. عدم شرکت وسیع مردم در انتخابات شورای شهر را «غفلت» می نامند و برای مردم خط و نشان میکنند که در صورت فتح مجلس هفتم توسط جناح راست یک «فاجعه» به بار خواهد نشست! ناسیونال اسلامی ها برای شرکت

مردم در انتخابات به هر «دری» و «نیروهای افراطی» میدهند. البته تمامی این ها به هیچ درجه نشان از «دمکرات» شدن دیناسورهای شورای نگهبان ندارد، بلکه وحشت از عدم شرایط در انتخابات شرکت خواهند کرد. آقای شیرزاد و شکوری را از جبهه مشارکت با هزینه خود (!!!)

جبهه، فعالین مشارکتی را به بم

فرستاده تا به بهانه کمک به مردم

مصیبت زده برایشان «تبلیغ» کنند و

رای جمع کنند. ناسیونال اسلامی ها

بسته شدن فرهنگسراها، مصادره

خانه هنرمندان تهران، تبدیل میدادین

به گورستان و شهردار شدن این «بوزینه

پلر» جناب احمدی نژاد را دست

گرفته اند و به تهدید و ارباب مردم

میپردازند. فرهنگسراهایی که در اوج

«شکوفایی» اش هم در آن چیز جز

آثار (کارل پوپر وطنی) استاد سروش

و کدیور و قرائتی نوین ایران آقای

قشقه ای را در آن نمی فروختند. «مهربان باشیم» است، وقتی آقای ده

نمکی میگوید حزب الله لیست مستقل

«خودی» کسانی چون علیرضا عروه

و علی معلم و فاطمه راکعی و هزار

یک «چاقو کش هنرمند شده» را

عرضه نمی کرد را بسته اند. (عجب

مصیبتی!) دارند همه را دارالقرآن

میکند. (مگر مملکت ۲۵ سال

سرتاپا دارالقرآن نیست؟) چیزی از

منظر بازدید کننده اتفاق نمی افتد.

### شورای نگهبان

### مانع یا همد؟

یکی دیگر از مشکلات «عمیقی»

که ناسیونال اسلامی ها مطرح میکردند

مساله رد صلاحیت و نظارت

استصوابی بود. (گویا در انتخابات

های «غیر استصوابی» رژیم جز انواع

بوزینگان از صندوق در می آمد!

اما این دوره میتوان گفت که بسیاری

از کاندیدهای مورد نظر را تایید

صلاحیت کرده اند. جمهوری اسلامی

برای آن که مردم را به پای صندوق

های رای بکشد هر مهره داشته و

نداشته را «رو» کرده است. دلیل

عمده اش را میتوان در تنفر شدید

مردم از جمهوری اسلامی که امروزه

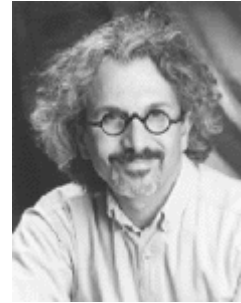
بصورت یک جنبش بر علیه اش در

حال وقوع است و همچنین این که

رای را بر سرشان خراب کنیم!

# دنیایی حرف داریم!

## گفتگو با علی جوادی رئیس هیات مدیره تلویزیون کانال جدید



**جوانان کمونیست:** شما در اطلاعیه خیلی کوتاهی اعلام کردید که «به دلایل فنی، چگونگی انتقال سیگنال به مرکز ماهواره» شروع به کار کانال جدید به تأخیر افتاده است. و اعلام کردید که «زمان شروع به مجرد حل مشکلات فنی متعاقبا اعلام خواهد شد.» آیا توضیح بیشتری می‌توانید بدهید؟

**علی جوادی:** حتما! اما امیدوارم که توضیحات فنی و تکنیکال مساله خوانندگان شما را خسته و کسل نکند. اما قبل از هر توضیحی اجازه دهید از تأخیر در شروع کار تلویزیون از طرف هیات مدیره تلویزیون کانال جدید و سایر همکارانم از همه علاقه‌مندان پوزش بخواهم. میدانم که بسیاری بیصبرانه منتظر راه افتادن این تلویزیون هستند. استودیوی ما اکنون کاملا استقرار یافته است. مشکلی در تولید و برنامه به لحاظ اصولی نداریم. مساله راه اندازی ما در حال حاضر فنی است. و واقعیت این است که رشته مساله فنی ما مالی است. ما با گسترش امکانات مالی به سادگی قادر به حل مساله فنی هستیم. اما ... اگر ما از امکانات مالی گسترده‌تری برخوردار بودیم به سادگی می‌توانستیم با استفاده از خطوط فایبر آپتیک (Fiber Optics) مساله را حل کنیم. گسترش امکانات مالی آلترناتیوهای تکنولوژیک متفاوتی در اختیار ما قرار میدهد. اما اجازه خط فایبر آپتیک برای انتقال سیگنال از مرکز تولید به ماهواره، در شرایط حاضر از توان مالی ما خارج است. نتیجتا باید راه حل فنی مساله را با بودجه محدودتر پیدا کنیم. و این در خود یک چالش فنی است. در این محدوده هنوز توانستیم تصویر و صدا را با کیفیت قابل قبول به مرکز پخش منتقل کنیم. در حال حاضر مسئولین فنی ما در صدد بررسی راه حل های متفاوت و کم هزینه هستند. و امیدوارم که بزودی به راه حل مطلوب و کیفیت قابل قبول با توجه به بودجه‌ای که در اختیار داریم دست پیدا کنیم. ما به محض حل قطعی مساله فنی زمان جدید شروع تلویزیون کانال جدید را به همه مشتاقان تلویزیون اعلام خواهیم کرد.

**جوانان کمونیست:** فکر میکنید این مشکلات کی برطرف شود؟ اگر بخواهم سؤال یک خواننده عزیز، آرش سرخ از تهران را تکرار کنم: کی، کجا، چه ساعتی؟

**علی جوادی:** دو هفته آینده برای ما از بابت حل مساله فنی تعیین کننده است. ما در تماس با

برای «سرگرمی» و «گنران وقت» به سراغ ما نمی‌آیند. موقعیت ویژه ما در ارائه چنین برنامه‌هایی نیست. مطلوبیت ما برای جامعه طرح و بیان سیاستهای رادیکال و کمونیستی و انسانی است. این مولفه جذبه ماست. این نقطه قدرت ماست. ما این نقطه قدرت خود را میشناسیم. ما حرفهای دندان گیر زیادی برای گفتن داریم!

**جوانان کمونیست:** آیا میتوانید تصویر خودتان از برنامه های «کانال جدید» را برای خوانندگان ما بگویید؟

**علی جوادی:** ما تلاش خواهیم کرد که تمامیت کمونیسم کارگری را، مطلوبیت کمونیسم مارکسی و زیبایی و انسانیت عمیق کمونیسم حکمت را به مردم بشناسانیم. امکانی فراهم کنیم تا توده وسیع مردم کمونیسم کارگری را بعنوان آلترناتیو اوضاع سیاسی کنونی ایران بشناسند و آگاهانه و با چشمانی باز و قلبی پر از اطمینان آرا انتخاب کنند. ما تلاش خواهیم کرد تا اکثریت عظیم مردم امکان پذیری و مقبول بودن ایجاد جامعه‌ای انسانی و آزاد کمونیستی را امر مبارزاتی خود و هدف تلاشهایشان قرار دهند. ما میکوشیم تا امید و آرزوی دیرینه مردم در خلاصی از نظام موجود را در آلترناتیو سیاسی معینی ببینند و به استقبالش بیایند. ما میخواهیم سیمای امید مردم و نسلهای پی در پی در ساختن یک دنیای بهتر باشیم. ما میخواهیم در فضای متدنهانه به نقد جریانات بورژوازی و دست راستی و اسلامی، اعم از حاکم و در اپوزیسیون، بنشینیم. نشان دهیم که این آلترناتیوها چیزی جز استعمار و استبدادی دیگر در اشکالی دیگر نیستند. ما منخب و خرافه و جهل اسلام و جنبش اسلام سیاسی را در تمامی زمینه ها نقد و افشا خواهیم کرد. ما تمامی جنبشهایی را که هویت کاذب ناسیونالیسم را مبنای فعالیتشان قرار میدهند، انسانها را بخش بخش میکنند و لاجرم رو در روی هم قرار میدهند، سکه یک پول خواهیم کرد. ما صف رهبران لایق و با درایت کمونیسم کارگری را به مردم معرفی خواهیم کرد. نشان خواهیم داد که چرا این رهبران باید آموزگاران جامعه‌ای آزاد و مرفه و باز فردا باشند. ما میکوشیم سیما و تصویر امید مردم به رهایی و خلاصی از محرومیتها و مشقات و کمبودها باشیم.

**جوانان کمونیست:** آرش در

نامه اش که هفته گذشته (شماره ۱۲۲) به چاپ رسید انتظاراتی را در مورد محتوای برنامه ها مطرح کرده بود. شما چه جوابی دارید؟

**علی جوادی:** تأکید آرش در اساس بر برنامه های جامع و متنوع است. انتظاراتی را هم در زمینه معرفی شخصیتهای چپ و مدعی کمونیسم در تاریخ و استفاده از سرود انترناسیونال بجای لوگوی برنامه مطرح کرده است. مسلما هدف ما این است که سیاستهای رادیکال، ریشه‌ای و انسانی خود را در قالبی جذاب و «چشم باز کن» ارائه دهیم. راستش ما حرفهای زیادی برای گفتن داریم. امکانات تکنونی ما تنها گوشه بسیار کوچکی از حرفهای ما را در سطح اجتماعی مطرح کرده است. هیچ عرصه‌ای: از سیاست گرفته تا هنر و موسیقی، از فرهنگ و اقتصاد و تکنولوژی و علم گرفته تا عشق و روابط شخصی و عاطفی و زبان نیست که ما حرفی برای گفتن نداشته باشیم. محتوای برنامه‌های تلویزیون و رادیو ماهواره‌ای ما مسلما انعکاس چنین مضامینی خواهند بود. این یعنی تنوع. این یعنی جامعیت. از طرف دیگر ما نسبت به جداییتهای فرم ارائه این مضامین بی تفاوت نیستیم. قالبهای جدید و جذاب سیاسی و اجتماعی را میشناسیم. آنها را مطالعه کردیم. اما باید توجه داشت که بینندگان ما

سوئد و آلمان و همچنین بنیاد منصور حکمت ... علاقه خود را برای داشتن برنامه در تلویزیون کانال جدید ابراز داشتند. یکی از برنامه های روتین کانال جدید، تلویزیون انترناسیونال خواهد بود که بیانگر سیاستهای رسمی حزب خواهد بود. حزب کمونیست کارگری در تلویزیون جدید هر روز با مردم به گفتگو خواهد نشست.

جامعه ایران در آستانه یک تحول انقلابی برای خلاصی از شر کثافت جمهوری اسلامی است. از دل جنبش توده‌های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی جنبشی انقلابی قد علم کرده است. حزب کمونیست کارگری خواهد کوشید که از این طریق ابزاری برای هدایت و رهبری این انقلاب عظیم و تاریخ‌ساز فراهم کند. اگر در دوران لنین و بلشویکها این نشریات کمونیستها بود که امر سازماندهی انقلاب را عهده دار بود، در اوائل قرن بیست و یکم و با وجود انقلاب تکنولوژیک این ماهواره و ساتلایت است که این نقش را در کنار نشریات در ابعاد میلیونی ایفا خواهد کرد. ما از ماهواره و دیش ابزاری برای رهبری انقلاب کارگری آتی ایران ایجاد خواهیم کرد. این هدف ماست.

**جوانان کمونیست:** معیارهایی که برای موفقیت این تلویزیون تعریف کرده اید چیست؟

**علی جوادی:** ما زمانی موفق خواهیم بود که هر انسان آزادیخواهی که به لحظهای به آزادی و برابری

انسانها اندیشیده باشد، ما را صدا و سیمای خود بداند. ما زمانی موفق خواهیم بود که هر زن برابری طلب و خواهان نابودی تمامی ستمهای جامعه طبقاتی و اسلام زده ایران ما را بیان دردهای خود بداند. ما زمانی موفق خواهیم شد که کارگر خواهان خلاصی از استعمار و نابودی بردگی مزدی و سرمایه ما را بیان آرزوهای قلبی خود بداند. ما زمانی موفق خواهیم بود که هر جوان آزادیخواهی که از این شرایط بیزار است، خواهان یک زندگی مدرن و انسانی است ما را تصویر زندگی خود از آینده بداند. شاخصهای موفقیت ما روشن هستند. به میزانی که به این نیرو تبدیل شویم در اهدافمان موفق خواهیم بود. به میزانی که چنین جایگاهی در تحولات سیاسی ایران پیدا کنیم به تصویر ایده‌آل خود از کارمان نزدیکتر شدیم.

**جوانان کمونیست:** چه انتظاراتی از خوانندگان ما دارید؟

**علی جوادی:** ما نیازمندیم که وسیعا در میان جوانان و توده مردم شناسانده شویم. این یکی از انتظارات ماست. ما محتاج به بینندگان درگیر در سوخت و ساز کار تلویزیون هستیم. کسانی که نظر میدهند. در مباحث شرکت میکنند. نقد میکنند. و پیشنهاد میدهند. ما برای جوانان آزادیخواه و کمونیست برنامه های بسیاری خواهیم داشت. ما میکوشیم با نشریه خواندنی شما و طبعاً دست اندرکاران و خوانندگان ارتباط مستحکمی برقرار کنیم.

از صفحه ۸

## لینک

خودشون برسند.» ولی توی دلم می‌گم: «من رو ببین! خودم نمونه کامل و بارز یه آدم متناقض هستم!!»

رئیس زنگ می‌زنه. سر زمان مرخصی باهش بحث می‌کنم. داد می‌زنم که امتحان دارم. جواب میدهد که باید زودتر می‌گفتی. یک دفعه آرام می‌شم و بی خیال، بهش می‌گم: «باشه، فعلا نمی‌رم مرخصی.» و با خودم میگم همه این داد و بیادها برای چی، وقتی که ممکنه امشب بخوابی و فردا پا نشی؟

یه خانومی با چادر می‌یاد جلو: «خودکار دارین خانوم مهندس؟ بچه دانشجو دارم.» کیسه خودکار رو می‌گذارم جلوش. اگر دیروز بود لابد باز تو دلم شروع می‌کردم به غر زدن که: «خودکار هم گدایی داره؟ اصلا نمایشگاه مگه جای گداییه؟» ولی فعلا این مدل غرها فراموشم شده. چون به طرز عجیبی همه چیز برام بی اهمیت شده. می‌دونم موقتی، ولی باز از

حالت قلبی بهتره.

تنها چیزی که توجهم رو جلب

میکند، دمای هوای کویره...

یکشنبه: روز آخر. چند تا

آشنا می‌بینم. تا بعلاظهر سرگرم

خوش و بش هستم. عصرش تصمیم

میگیرم که تا خونه بیاده برم. نیاز

دارم که فکر کنم. راه که می‌افتم،

یک دفعه توان فکر کردن ازم سلب

میشه. به جاش شروع می‌کنم به

اشک ریختن. اولش شروع می‌کنم

تند تند اشکهام رو پاک کردن. ولی

بعد می‌بینم که لازم نیست

کارشون داشته باشم. چون کسی از

اینجا رد نمی‌شه که منو ببینه.

اشکها همینطور جاری هستند. هوا

سرده و قطره‌ها روی صورت می

ماسن. به خونه که می‌رم پاکشون

می‌کنم که کسی متوجه نشه. به

پنجره طبقه اول نگاه می‌کنم تا

یکبار دیگه درخت کریسمسشون

رو ببینم. ولی چراغهای تزیینی

کاج رو خاموش کردن و چیزی

معلوم نیست. پس عید تموم شده

...

و بیرون از دغدغه‌های بیمار

گونه و روسفکرانه من و تو،

هزارها نفر زیر خاک مدفون شدند.

## گزارش به کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری بهرام مدرس دیبر سازمان جوانان کمونیست

### مقدمه

سازمان جوانان کمونیست از جانب حزب کمونیست کارگری ایران تشکیل شد و به این اعتبار موضوع کار، مشغله‌ها و سیاست‌هایش را مستقیماً از مباحث کمونیسم کارگری گرفت. موقعیت اجتماعی حزب بعنوان چپ جامعه، نفوذ و اعتبار آن بخصوص در میان جوانان زمین مناسبی برای فعالیت سازمان جوانان ایجاد کرده بود. وجود حزب کمونیست کارگری ایران با اندوخته سرشاری از نقد طبقات و جریان‌های غیر کارگری و تفکرات و نگرش‌هایی که به نام کمونیسم و سوسیالیسم بیان یافته‌اند، این امکان را به سازمان جوانان کمونیست داد تا مستقیماً درگیر مسائل و سوالاتی شود که درین قدرت‌گیری کمونیسم کارگری در ایران معنی می‌یابند. اساسی‌ترین نقطه قوت سازمان جوانان کمونیست از همین‌جا قابل توضیح است.

سازمان جوانان کمونیست با اتکا به این پشتوانه عظیم، میبایست به سازمانی برای متحد کردن و بسیج همه جوانان مشتاق آزادی و برابری و رفاه انسان‌ها به گرد پرچم کمونیسم کارگری، سازمانی برای به میدان آوردن همه جوانانی که علیه استثمار و نابرابری، علیه عقب ماندگی، مذهب، ناسیونالیسم، زن ستیزی و نژاد پرستی تلاش می‌کنند و به ایجاد جامعه‌ای آزاد و انسانی، به ایجاد دنیایی برابر و آزاد، مرفه و مدرن، دنیایی شاد و بشریتی خوشبخت، دل بستاننده، بدل شود.

این امر اما راهی پیموده شده برای ما نبود. نمایندگی کردن نسلی که تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی چشم به جهان گشوده است، از نزدیک حاکمیت مذهب، تبعیض، نابرابری، آپارتاید جنسی، عدم تأمین اجتماعی و سرکوب و خفقان را تجربه کرده است و علیرغم حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، امید به آینده‌ای بهتر را از دست نداد و برای تحقق آن به مبارزه برخاسته است، نمایندگی کردن میلیون‌ها جوانی که لحظه به لحظه زندگی و وجودشان زیر سلطه جمهوری اسلامی (نه) بزرگی به این رژیم است. نسلی که اولین برخورد‌هایش را با مارکسیسم و کمونیسم کارگری تجربه می‌کند، متضمن درگیر شدن با مسائلی است، جواب درست دادن به آنها و متحد و متشکل کردن بود و هست.

موقعیت و حضور سازمانی در ایران حزب کمونیست کارگری با موقعیت سیاسی که آنرا به خوششانترین، رادیکالترین و مصمتمترین و کمونیست‌ترین نیروی تاریخ سیاسی ایران بدل کرده است، از یکطرف و به چپ چرخیدن کل فضای سیاسی جامعه و نقش و تاثیر جوانان در این از طرف دیگر، شرایط کار بسیار مساعلی را برای ما فراهم ساخت. امروز با گذشت ۴ سال از تشکیل این سازمان به جرات میتوان گفت که سازمان جوانان کمونیست در میان بخش

این نشریه تا آنجا که امکان برآورد آن است، چه از طریق اینترنت و چه از طریق چاپ و توزیع دستی به بیش از ۴۰۰۰۰ نسخه در هفته میرسد.

- برنامه رادیویی

برنامه رادیویی سازمان جوانان کمونیست شنبه‌های هر هفته از رادیو انترناسیونال پخش میشود. این برنامه‌ها نقش بسزایی در گسترش ارتباطات این سازمان ایفا کرده‌اند. دخالت و گفتگو در رابطه با مسائلی مشخصی که فعالین و جوانان آزادیخواه در محل با آنها روبرو هستند یکی از دلایل رجوع به ما از این طریق بوده است. متأسفانه شرایط مالی سازمان جوانان کمونیست تا امروز امکان گسترش ساعات پخش این برنامه‌ها را به ما نداده است.

- گروه یاهو

گروه جوانان کمونیست در یاهو امروز پر عضوترین گروه سیاسی ایرانی در یاهو است. این گروه تبدیل به کانالی برای دریافت منظم نشریات و اطلاعاتی‌های حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست شده است. این بخصوص در مقابل فیلتر شدن بسیاری از سایت‌های ما اقدامی بجا برای دور زدن فیلترهای رژیم بود. در این گروه علاقمندان منظم سوالات خود را در هر موردی که لازم باشدند طرح کرده و جواب خود را از بقیه اعضای گروه دریافت میکنند. بیش از ۷۰ درصد اعضای این گروه از ایران هستند. گسترش کار این گروه در درجه اول میلیون تلاش‌های رقیب امید خراب‌خشی مسئول آن بوده است.

### خارج کشور

سازمان جوانان کمونیست واحدهایی در کشورهای سوئد، هلند، دانمارک، آلمان، ترکیه، انگلیس و کانادا و فعالینی در پاکستان، ژاپن، روسیه، نیوزیلند و تگزاس دارد.

اهم فعالیت‌های این واحدها و فعالین در درجه اول معرفی و توضیح خواسته‌های جوانان در ایران و جلب حمایت از مبارزات آنها در کشور‌هایشان و تبدیل شدن به سخن‌گویان کمونیست جنبش آزادی و برابری جوانان در کشور‌هایشان از یکطرف و از طرف دیگر نمایندگی کردن کمونیسم کارگری در مبارزات و اعتراضات آن کشورها، بوده است.

۴ سال فعالیت سازمان جوانان کمونیست در این عرصه‌ها به همت رفیق مریم طاهری مسئول خارج سازمان، کادرهایی را پرورش داده است که خود راسا به شخصیت‌های شناخته شده کمونیست سازمان جوانان کمونیست در کشورهای آلمان، سوئد و دانمارک دارای رادیوهای محلی خود است.

در جلب حمایت از اعتراضات و مبارزات جوانان در ایران، واحدهای سازمان جوانان بارها موفق به جلب حمایت شوراها و سازمان‌های متعدد دانشجویی در دانمارک، آلمان و سوئد از این مبارزات شدند.

موقعیت عمومی امروز سازمان جوانان کمونیست و شبکه وسیعی از کادرهای کمونیست و پرشور چه در ایران و چه در خارج کشور، نتیجه جوایب و

## راه‌های کجاست؟

### آرش حمیدی

از نشریه جوانان کمونیست می‌خواهم تا نظر من در مورد مطلب بابک رشید تحت عنوان ملا لغتی و دکم نباشیم که در جواب نقد من از ادبیات بورژوازی بود، را چاپ کند.

بابک رشید عنوان نموده اند که من ایشان را بورژوا، سرمایه دار و ضد کارگر خوانده ام، اما من تنها به نفوذ ادبیات بورژوازی در مطلب ایشان پرداخته ام و آن را مورد نقد قرار داده ام و اساساً صدور حکم ارتداد را شایسته فرقه‌های مذهبی می‌دانم. من هر سه سری مطالب بابک رشید تحت عنوان ریشه کجاست را خواندم. مطالب کاملاً درستی در مورد نقش اسلام و اسلام سیاسی در آن بود که مورد قبول من هم هست، اما نقد من صرفاً بر ادبیاتی بود که در بعضی از قسمتهای مقاله از آن استفاده کرده اند. بابک رشید انتقاد من از به کار بردن ادبیات بورژوازی در مقاله خود را دلیلی بر دکم و ملا لغتی بودن من دانسته است، اما شاید نمانند از اینکه من ملا لغتی شوم ناراحت نمی‌شوم. هر کلمه‌ای که در ادبیات روزانه ما به کار برده می‌شود بار معانی و گذشته تاریخی خود را دارد و در ذهن مخاطبین خود ایجاد یک پس زمینه می‌کند و بر همین اساس است که ادبیاتی که ما به کار می‌بریم اهمیت زیادی دارد. ذکر این نکته که رهبر عزیزمان منصور حکمت خود نقش بزرگی در نقد ادبیات چپ پوپولیستی در سالهای اول انقلاب داشت و شاید بابک رشید خود به یاد آورد که منصور حکمت در جایی گروه‌های کمونیستی را از اینکه عبارت «کارگران میهن» را در بیانیه‌های خود به کار می‌برد، نکوهش می‌کند و عقب افتادگی این گروه‌ها را از اینکه هنوز بعد از کلمه کارگر بلافاصله ملیت و میهن آن را عنوان می‌کنند، یاد آور می‌شود؛ اینجا ممکن است کسی بگوید حالا یک کلمه میهن چه اهمیتی دارد که موضوع نقلی شود؟ اما ما چه خواهیم و چه خواهیم هر کلمه بار تاریخی خود را دارد و نقش خود را در ذهن مخاطب خواهد گذاشت! کلمه میهن هم کاملاً بار ناسیونالیستی دارد و متعلق به همان ادبیات است. مگر نه اینکه سالها استفاده جنبش‌های نظیر ناسیونالیسم و فرمیسم در سرتاسر جهان از نام حزب کمونیست یکی از مهمترین دلایل نامیده شدن حزمان به اسم حزب کمونیست کارگری است که بر تفاوت‌های ما دلالت کند! بابک رشید متذکر شدند که ما نباید مثل یک مذهب با مسائل برخورد کنیم و چون آیه و حدیث نقل قول از مارکس و لنین بیابوریم؛ آیا اگر من متن تحلیل درخشان مارکس در مورد حقوق بشر را همراه با اسمش ذکر کنم آیه و حدیث آورده ام یا اینکه به احترام مولف نام او را درج کرده‌ام؟ قضایات را به خوانندگان وا می‌گذارم. رفیق بابک نوشته اند: این محتوای جمله و روح مطلب است که به واژه‌ها معنا می‌دهد. بر عکس، اولاً مگر محتوای جمله چیزی جز کلماتی است که ترکیب شده اند؟ دوم اینکه کلماتی نظیر حقوق بشر، دمکراسی و مردم نظیر حروف اضافه (به، از، ما، که، ...) نیستند که تنها در چهارچوب یک جمله معنا دهند، بلکه در خارج از یک جمله و به تنهایی بار معانی و تاریخ خود را دارند و ذهن را معطوف می‌دارند. بابک رشید عنوان می‌دارند: آیا غیر از این است که اعضای حزب ما (در خارج کشور) اگر آزادانه فعالیت می‌کنند در سایه همان پیشرفت و دمکراسی و آزادی حقوق بشری است که ما در اینجا یک صدمش را نداریم و حسرتش را می‌خوریم؟! در جایی دیگر نوشته اند مگر می‌شود انسانی از آزادی و حقوق بشر بدش بیاید؟ رفیق عزیز مسئله خوش آمدن و بد آمدن از این مفاهیم نیست بلکه مسئله نقلی است که ما از موضع مارکسیستی به این مفاهیم وارد می‌دانیم. درست است که شما می‌توانید در اروپا و آمریکا آزادی بیان داشته باشید، اما دقت کنید که این آزادی تنها برای این است که حرف بزنید، ولی نظام سرمایه داری و استثمار و بیگانگی کارگر همچنان در همان اروپا و آمریکا سرچایش هست. برای بیان آزادی ولی اگر بخواهید به کلیت سرمایه داری و مالکیت خصوصی تعرض کنید به جرم تعرض به حقوق بشر که یکی از مهمترین موارد احترام به حق مالکیت است بازداشت خواهید شد. همین مقدار رفاه عمومی و آزادی هم با مبارزات خونین کارگران به دست آمده است که جامعه از آن بهره می‌برد. اگر در کشورهای فقیر سرمایه داری نظیر ایران استبداد و خفقان است از بابت این است که در یک چنین سرمایه داری به واسطه عقب ماندگی تکنولوژیکی و شرایط موجود دستمزد باید بسیار پایین باشد تا سودی کلان نصیب سرمایه داری شود و چنین دستمزد پایینی بدون سرکوب سیاسی شدیدی میسر نخواهد بود. سرکوب ما (در ایران) و آزادی در اروپا و آمریکا دو روی یک سکه سرمایه داری هستند. البته اگر در ایران آزادی بیان باشد برای ما که حقیقت را می‌گوییم و از منافع راستین طبقاتی مان دفاع می‌کنیم بهتر خواهد بود. اما قطعاً راه آزادی و رهایی ما تنها از حرکت به سوی سوسیالیسم و انقلاب به رهبری حزب کمونیست کارگری می‌گذرد.

حضور این سازمان با شخصیت‌هایش، صحنه نبردی است که جوانان آزادیخواه نشریاتش، تبلیغاتش و فعالینش در و کمونیست امروز پا به آن نهاده‌اند.

# «چرا ایران اروپا نشد؟» روپاهای ایرانی!

مصطفی صابر



است که ایران می‌توانست مثل اروپا «رشد طبیعی» سرمایه دارانه داشته باشد و مثل اروپای امروز صاحب پارلمان و دموکراسی و آزادی و اقتصاد موزون و سالم با حداقلی از رفاهیات (حال به همان مفهوم اروپای غربی) باشد. گویا می‌توانست انقلاب داشته باشد و سالها پیش از سر هرچه آخوند و مرتجع نظیر آنهاست رها شود. و غیره. این فرض آن سوالات است و بعد کوشیده میشود که دلیل عقب ماندن جامعه ایران با فاکتورهایی نظیر حاکمیت استبداد شرقی و فئودالیسم، تحول از بالا و «ناقص» سرمایه داری، «استعمار» و «داخلت بیگانه»، «نقش اسلام»، «نقش ایلات و عشایر» و غیره توضیح داده شود. بی تردید اگر کسی بخواهد تاریخ تحولات اجتماعی ایران معاصر را بنویسد، باید تمام این عوامل را در توضیح چگونگی سیر تاریخ ایران وارد کند. اما اگر کسی تاریخ را با آن فرض اولیه بنویسد، یعنی اینکه رشد و گسترش سرمایه داری در ایران می‌توانست الگوی اروپا را دنبال کند، آنوقت با هرگونه ارزیابی واقعی، علمی و مارکسیستی از تاریخ قطع رابطه کرده است. آنوقت سوال غلطی را طرح کرده است و وارد کردن همه آن عوامل هم راه به حقیقت نخواهد برد. این صرفا یک اشتباه نظری و درک غلط از تاریخ نیست، فشار توهمات ریشه دار بورژوازی در ایران است که بعدا اشاره خواهیم کرد.

در چند شماره گذشته نشریه جوانان کمونیست با نوشته «ریشه کجاست» از بابک رشید، بحثی مهم (و البته قدیمی) باز شده و دوستان دیگر آرش حمیدی و سینا کارگر نیز وارد بحث شده اند. من نیز مایلم نکاتی را مطرح کنم. اما ترجیح میدهم لااقل فعلا مستقیما به نوشته های تاکنونی که در نشریه چاپ شده نپردازم. چرا که مساله بطور عمومی تری مطرح است و باید ابتدا به سراغ «ریشه» رفت.

## سوالات مد روز

این روزها سوالاتی مشابه اینها در ایران به گوش می‌خورد: «چرا ما مثل اروپا نشدیم؟»، «چرا ایران عقب ماند؟»، «چرا جامعه منی در ایران مثل اروپا شکل نگرفت؟»، «چرا دموکراسی در ایران پیروز نشد؟»، «چرا پروسه پیروزی مرنیتبه بر سنت در ایران فرجام نیافت؟»، «چرا صد سال تلاش برای عقب راندن استبداد از مشروطه تا بحال شکست خورده است؟»، «چرا ما احزاب و فرهنگ سیاسی و اتحادیه مثل کشورهای غرب نداریم؟»، «چرا اقتصاد دلالی و فاسد در ایران حاکم بوده است؟»، «چرا ایران مثل ژاپن یا حتی کره به یک قدرت اقتصادی تبدیل نشد؟» و نظایر اینها.

برخی این سوالات را، با فرمولبندی های مشابه، ما قبلا از زبان «قهرمانان» پشم و پنبه ریخته دوم خرداد شنیده ایم (و هنوز هم ناله های آنها را میشنومیم). در بین کسانی که امید بسته اند تا روزی جرج بوش و رضا پهلوی اش (و یا حالا کسی «با عرضه تر») از او بیاید و «ایران را نجات دهد»، سوالاتی نظیر موارد فوق مطرح است. اینگونه سوالات بویژه محبوب خیل وسیعی از جوانان است که روزگاری به خاتمی رای داده بودند و حالا میکوشند «لیبرال دمکرات» بشوند و راه «واقع بینانه» برای برخورداری از رفاه و آزادی کشورهای پیشرفته غرب (حالا هرچقدر که هست) بیابند. چپ ها و کمونیست ها هم به سهم خود (حال با اخذ غیر انتقادی صورت مساله از دیگران، یا با طرح اندکی متفاوت و التقاطی آن) در قبال اینگونه سوالات و ارائه پاسخ های خود به آن فعال اند.

## توهمات مشترک

اگر به سوالات فوق دقت کنید، یک جوهر درونی، یک فرض از پیشی همه آنها را بهم متصل میکند. آن اینکه گویا سرمایه داری در ایران می‌توانست طور دیگری رشد کند. بویژه و معمولتر از همه این فرض

## تاریخ بی قراری! سینا کارگر

۱۹ سال، دانشجو، تهران

پرسش «ریشه کجاست؟» (به شماره های ۱۱۹ تا ۱۲۲ رجوع کنید.) کلیبی و پاسخ به آن سرنوشت ساز است. در این مقاله سعی بر این است که طرحی از جامعه شناسی تاریخی ایران ارائه شود.

ریشه تحولات سیاسی - فرهنگی را باید درون محتوایی اقتصادی بررسی کرد. شاید بتوان علت عقب ماندگی اقتصادی ایران را به صورت زیر بیان کرد:

۱) دیرماند اقتصادی ایران در شیوه منحصر به فردی از تولید، به نام شیوه تولید آسیایی (شرح دقیق فرآیند های این شیوه به مقاله ای مستقل موکول میشود). جنگ های متعدد که هر بار منجر به فرو ریزش اقتصاد ایران شده است، بازترین عامل پایداری این فرمسیون اقتصادی در طول قرن ها است.

۲) نتیجه منطقی تولید آسیایی پدیده استبدادی فردی است. هنگامی که دهقانان و خوانین محلی مجبور باشند یک پنجم محصول تولیدی را به سلطان تحویل دهند به گونه ای خودکار، قدرت فردی و خارج از کنترل سلطان افزایش می یابد. استبداد فردی موجب تمکین نهادهای مذهبی و قبیله گی از شخص پادشاه میگردد و این نهادها را به ابزار توجیه ایدئولوژیک دربار تبدیل میکند.

۳) نتیجه دیگر این شیوه تولید عدم بروز تقسیم کار (حتی به صورت ابتدایی فئودالی) است. ساده ترین مثال برای توضیح: آخوند ده علاوه بر ارشاد مذهبی، وظیفه آموزش کودکان، حل اختلاف بین روستاییان، تقسیم محصول و حتی مباشر سلطان را نیز بر عهده داشته است.

۴) به علل متعدد تکامل اجتماعی در ایران نتوانسته است مسیر مشخص ماتریالیستی - تاریخی را پیماید. روند (تکامل فرمسیون - انقلاب) به طور کامل با شرایط سیاسی و انقلاب های ایران همخوانی ندارد. در ایران بعد از صفوی، نه مشخصا با فئودالیسم بلکه با آمیزه قلمرومند فئودالیسم و تولید آسیایی روبرو هستیم. پدیده

بگنیم، معلوم نبود ما الان در عصر شاه سلطان حسین هفتم بودیم یا آغا محمدخان چهارم!! آیا ما هنوز داشتیم مثل قرن ۱۶ انگلیس در عصر سلطنت مطلقه و جدال شوالیه قرون وسطی و بورژوازی نوپا دست و پا میزدیم و یا هنوز باید ۱۶ قرن دیگر صبر میکردیم تا «تکامل مستقلانه و آزادانه ایران» تازه به آنجا برسد. کسی که هنوز از «رشد ناموزون سرمایه داری ایران» گله میکند، صرف نظر اینکه تصور اشتباه میدهد که گویا سرمایه داری «موزون» است، باید دقت کند پروسه خلع ینی که در ایران تحت تاثیر سرمایه داری غرب بهمین صورت «از بالا» و «ناقص» و «فرمایشی» اش ۵۰ سال طول کشید، می‌توانست بسیار وحشتناکتر، طولانی تر و خونین تر باشد. (برای بررسی بیشتر در این زمینه به «مساله دهقانی پس از حل امپریالیستی مساله ارضی» اثر منصور حکمت رجوع کنید.)

بورژوازی ایران اگر برای رنگ کردن بقیه نباشد از اینکه برتر از بورژوازی غرب راحت تر زاده شد و از همان ابتدا بسرعت نتوانست کیف پولش را کلفت کند، نباید هیچ شکوه ای داشته باشد.

## راز شکست دموکراسی

همین حکایت را میتوان در مورد دموکراسی در ایران گفت. دموکراسی چرا در ایران پیروز نشد؟ برای اینکه پایه مادی و تاریخی دموکراسی یعنی بورژوازی در ایران نیازی به آن نداشت و ندارد. سرمایه داری ایران که با چوینست های سرمایه داری جهانی راه افتاد، در تقسیم کار جهانی سرمایه داری نیز در حوزه ای قرار گرفت که دموکراسی روینای سیاسی لازم آن نبود. ایترآ کسی به او تحمیل نکرد، خارجی نبود، خیر، دقیقا برای کسب سود هرچه بیشتر به سرکوب و دیکتاتوری نیاز داشت. به این معنی تولد سرمایه داری در ایران غیر طبیعی نبود. در واقع «طبیعی» تر از این نمی شد. هر راه دیگری که بورژوازی ایران میخواست طی کند (حال اگر ممکن بود) برای او مخاطره آمیز تر و طولانی تر میبود. ناگفته نماند که در مقاطعی دموکراسی در ایران نشو و نمایی یافته، اما نه به اعتبار بورژوازی بلکه علیرغم او و به اعتبار توده مردم کارگر و زحمتکش. (در ماههای قبل و بعد از قیام بهمن به یمن انقلاب و اعمال اراده مستقیم

ای که منطقا منجر به افزایش قدرت پنهان نهادهای مذهبی (نهادهای کنترل) شد.

۵) بر خلاف دیدگاه جبرگرا پدیده های جامعه شناختی رونوی صرفا اقتصادی را طی نمی کنند. عوامل سیاسی و روینایی گاه نقشی کلیدی در این میان بازی میکنند.

در ایران سیاست یکجا نشین کردن عشایر توسط رضا خان آغاز انهدام محوریت شیوه فئوالی - آسیایی بود. انهدامی که در دهه های میانی قرن (بیستم) تسلط تولید سرمایه داری را در پی داشت.

۶) سرمایه داری در ایران روند بورژوازی اروپایی را طی نکرد. سرمایه داری نه در قالب پروسه ای طبیعی بلکه بصورت پروژه (انقلاب) سفید و سیاست های جان کنیدی) بر ایران مسلط شد. به همین دلیل از محتوای رادیکال و انقلابی خود فاصله گرفت و خیلی زود با شرایط اجتماعی ایران انطباق یافت. سرمایه داری بخش مهمی از تار و پود اقتصادی و خصوصا فرهنگی جامعه ایران را حفظ و بازتولید نمود.

۷) پروژه مرنیتبه ناقص بود. اقتصاد سرمایه داری روینای خاص خود را میخواست (جامعه منی) و با فرهنگ فئودالی - قبیله ای ایران تطابق نیافت. بحران شکل گرفت و انقلابی فراگیر آغاز شد (انقلاب ۵۷). هژمونی در دست قدرت خفته در قرون قرار گرفت (مذهب) و پس از انقلاب قدرت سیاسی عملا در دستان سرمایه داری تجاری سنتی ایران (بازار) قبضه گشت.

۸) آنچه امروزه علت عدم تمایل (حداقل فراگیر) به تغییر میشود، رشد و گسترش تفکر و فرهنگ خرده بورژوازی است. تفکر، قناعت، تطبیق با هر وضعیت، احساس خطر از تغییر وضعیت، خصلت دوگانه هیجان - رکود، دقیقا از بینش خرده بورژوازی مایه میگردد. فرهنگ مصرف و آشنایی با جهانی شدن از طریق رسانه های غربی به این امر دامن میزند.

به طور کلی هدف این مقاله این بود که نشان دهد برای یافتن ریشه باید از تحلیلی تاریخی سود جست. این مقاله تلاشی بود برای طرح این مساله. امیدوارم بتوانیم در بحث های بعد نقش عواملی چون بورکراسی، استعمار و غیره را روشن کنیم. این نوشته صرفا طرحی بود ساده و حتما پر اشکال برای آغاز.

مردم، ایران دمکرات ترین کشور دنیا بود! ولی این حالات گلزا نمی توانسته و تحلیلا نمی تواند روینای سیاسی و بازتولید شوند سرمایه داری ایران باشد. بعبارت دیگر دموکراسی در ایران، حتی به همان مفهوم غربی اش (لااقل تا اطلاع

## نامه های شما

مجید رام (ایران؟)  
چطور عضو شویم!

«سلام. شما در پیامهای خود از طریق رادیو و از طریق سایت های اینترنتی دعوت به پیوستن مردم به این سازمان (جوانان کمونیست) را دارید. در حالی که هیچ گونه راهنمایی در مورد نحوه عضویت و فعالیت در سایت های این سازمان دیده نمی شود. اگر ممکن است نحوه عضویت در سازمان را بنویسید. منتظر جواب شما هستم، متشکرم.»

مجید عزیز عضویت در سازمان جوانان کمونیست بسیار آسان است. کافی است بخواهید و فرم عضویت را پر کنید. در مورد نحوه فعالیت هم علاوه فراخوانهای روزمره سازمان، چند متن پایه نیز هست که در سایت جوانان کمونیست موجود می باشد. نامه شما را برای بهرام مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیست ارسال میکنیم و ایشان شما را راهنمایی خواهند کرد. به صف ما خیلی خوش آمدی مجید عزیز.

از صفحه ۵

## رویاهای ایرانی!

سرمایه داری خوش خیم

فرض امکان پذیری تاریخی یک بورژوازی متمدن (حالا از جنایات طول تاریخ بورژوازی در غرب بگذریم و فرض کنیم متمدن بوده است.) در ایران نه فقط پوچ و ارتجاعی است، بلکه امروز بویژه در خدمت این قرار میگیرد که بورژوازی را تظہیر کند. گویا یک سرمایه داری پارلمانی شسته رفته با همه مشخصات کلاسیک یک گوشه ای بر جبین این ملت با هوش ایران نقش بسته بود ولی عواملی خارجی، عوامل بومی، عقب ماندگی های تاریخی، و خلاصه هر عاملی جز خود سرمایه داری، مانع شکل گیری و حاکمیت آن شد. حالا هم همان ملت باهوش را دنبال نخود سیاه این سرمایه داری مفروض شسته رفته میفرستند! فراموش میشود که ظهور و حاکمیت سرمایه داری در ایران کامیاب همانطور میتوانست رخ دهد، که رخ داد. فراموش میشود که سرمایه داری با عروج اش در اروپا (بهر دلیلی که بوده باشد) بلافاصله نقش تاریخی و عظیمی بعهد گرفت و سراسر جهان را به شکل خود درآورد. (به مانیفست کمونیست رجوع کنید.) این سرمایه داری برای فتح جهان، بهترین و نزدیکترین راه ها برای درهم شکستن موانع ماقبل سرمایه داری، تسخیر بازارها، تبدیل دهقانان و زحمتکشان سراسر جهان به پرولتاریا و شکل دادن به بورژوازی و دولتهایش در کشورهای مختلف را پیدا کرد و در همه جا نیز در خون و آتش متولد شد. سرمایه داری

## جوانان کمونیست ۱۲۲

نیسان پر برنج به خانه برگشته است و... مردم از دادن پول نقد خودداری میکنند و اعتمادی ندارند.»

صمد از تهران  
خونی تازه...

«با سلام خدمت شما جناب آقای (بهرام) مدرسی. من یک جوان دانشجو هستم که مدتی است با سازمان جوانان کمونیست و سایت آن آشنا شده ام. من البته با مارکسیسم و کمونیسم از مدتی پیش آشنا بودم و کتاب های زیادی در مقوله های فلسفی و اجتماعی از انتشارات چریکهای فدائی خلق و سایر انتشارات کمونیستی خوانده ام و دسترسی خوبی به همه گونه کتاب در این موارد دارم. راستش را بخواهید بیشتر مارکسیست هایی که من میشناسم و در دامن آنها بزرگ شدم به عنوان کسانی که بتوانند برای تغییر وضع موجود کاری بکنند، قبول ندارم! و از همه مهمتر من با اشکال و ابعاد زشت و کثیف وجود بعضی انسانها مواجه شده ام که دیگر زندگی را با وجود آنها جز عذاب جهانی نمی بینم. بخصوص در حالیکه آنها را زنده و با داستانی باز برای ارتکاب هرگونه جنایتی می

نیمم. باور کند از زندگی در این جهنم سیر شده ام و حاضرم برای آزادی خودم و سایر هموعان ام و بهبود وضع موجود جانم را فنا کنم. من انسان حقیری نیستم و فکر میکنم شما بتوانید درک کنید انسانی که بیشتر از سایرین میداند و از آثار و جنایت های زیادی با خبر است وقتی تنهاست و کسی نیست که حرفهایش را بفهمد چگونه آرام آرام خرد میشود. اما از وقتی تصمیم گرفتم با سازمان و حزب شما که از قبل با آن آشنایی داشتم همکاری کنم احساس میکنم خون تازه ای در رگ هایمان جاری شده است. من از شما میخواهم مرا در زمینه همکاری با سازمان (جوانان کمونیست) راهنمایی کنید. سوالات زیادی دارم که اگر فرصت داشتید و پاسخ به این ئی میل را دادید مایلیم از شما پرسیم. در ضمن حادثه تاسف بار زلزله استان کرمان و شهر بهم راکه برگ ننگین دیگری بر پرونده ییکفایتی جمهوری اسلامی افزود، به شما تسلیت میگویم. با تشکر صمد.»

چطور میتوان اروپا شد؟

اشتباه مهلکی برای کمونیستهاست اگر یک آن به مبنای مادی این عقده ایرانی - جهانسومی بی اعتنا باشند. مبنای واقعی این عقده ها طبیعت رشد سرمایه داری در جهان عصر ما است. رشدی که بر تقسیم جهان به کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، یا کشورهای امپریالیستی و تحت سلطه، شمال و جنوب متکی بوده است. «معضل رشد و توسعه»، «معضل دموکراسی» و نظایر آن در

است که میخواهند یک بار برای همیشه کار رژیم اسلامی و سرمایه داری را تمام کنند و دنیای دیگر و بهتر را بسازند. پیوستن به این صف را صمیمانه تبریک میگویم. فشاری را که تحمل میکنی میفهمم. در جهانی که مملو از دروغ و ارتجاع است زندگی کردن و مبارزه کردن ساده نیست و به همان درجه صبر و عزم بزرگ میخواهد. و تصمیم تو به پیوستن به ما خبر از تصمیم گیری و عزم تو میدهد. در انتظار نامه های دیگری هستم.»

آناهیتا از مشهد

فقط گریه کردم

«من از خودم خجالت میکشم من واسه (فراخوان) حزب و (کمک) به مردم بم هیچ کار نکردم... فقط گریه کردم.»

آناهیتا عزیز. فکر کنم احساس شما به خیلی ها دست داد. از همینگونه احساسات است که بعد حرکت و تلاش برای تغییر برمیخیزد. هنوز دیر نشده است. مردم بم به کمک احتیاج دارند. بعلاوه سرچشمه فجاجع در ایران، یعنی جمهوری اسلامی

واقع شکل بیان وارونه و بورژوایی تمایلات واقعی و شریف انسانها برای تحقق یک زندگی بهتر و جهانی شایسته برای همه انسانها است. برای اکثریت عظیم مردم ترقی و تمدن و دموکراسی و مثل اروپا شدن، چیزی جز بیان آرزوهایشان برای آزادی و برابری نیست. کمونیستها باید فعالانه در این جدال وارد شوند و این تمایلات را معنی کنند. باید نشان دهند که تمایلات شریف انسانها برای بنای جامعه ای مدرن و مرفه و آزاد هیچ ربطی به توهمات بورژوایی که بالاتر اشاره شد ندارد. کمونیستها باید به مردم نشان دهند که پیشرفت مادی زندگی انسانی و ارتقاء تولید و صنعت و برخورداری از مواهب تولید اجتماعی دیگر نه در گرو دل بستن به اتوبی ها و توهمات بورژوایی و انواع نسخه های «توسعه و رشد» بلکه اتفاقا بریدن از این توهمات و ساختن جامعه ای است که مانع سرمایه داری یعنی مانع بردگی مزدی را از سر راه بشر بر میدارد. آنها باید نشان دهند که «دموکراسی» و «حقوق بشر» و امثال آنها در خوشبینانه ترین حالت فقط شکل وارونه و مسخ شده تمایلات آزادیخواهانه توده های وسیع مردم است و تنها راه تحقق آزادی واقعی بشر فراتر رفتن از قوانین بازار و ملزومات سلطه بورژوازی در عرصه حقوق و سیاست (یعنی همان دموکراسی و حقوق بشر) است. بطور مشخص در ایران کمونیست ها باید نشان دهند که تحقق صد سال آرزوی آزادی، رفاه، تمدن، مناسبات متعالی انسانی، احترام و حرمت انسانها، برابری و عدالت، رهایی از جهل و خرافه مذهبی، زن ستیزی و مردسالاری، امروز فقط و فقط از

عده جنبش کمونیسم کارگری برمی آید. این آرزوهای شریف انسانی نیروی عظیمی است که بخش عمده آن هنوز در بند عقده های ایرانی - جهانسومی اسیر است. ما باید این نیرو را آزاد کنیم. و این صرفا از طریق بحث و روشنگری بدست نمی آید. بلکه پراتیک عظیم سیاسی را می طلبد. پراتیکی که حزب ما در چند سال گذشته مشغول آن بوده است. پراتیکی که اکنون ما را به نقطه امید مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی تبدیل میکند. ما باید آماده باشیم تا بدون تزلزل، بدون آغشته بودن به توهمات بورژوایی و عقده های ایرانی - جهانسومی، سرنگونی جمهوری اسلامی را به یک انقلاب عظیم اجتماعی علیه بردگی مزدی در تمامی وجوهات آن تبدیل کنیم. این دخالتگری سیاسی و تغییر واقعی زندگی است که امکان میدهد ما آرزوهای شریف انسانی را معنی کنیم و به نماینده آن تبدیل شویم.

این پراتیک به ما اجازه میدهد که بگویم پاسخ ما به این سوال که چرا ایران اروپا نشد، این است: رنسانس نوین بشریت، رنسانس آزادی و برابری یا همان بنای جامعه سوسیالیستی میتواند از ایران شروع شود. پیروزی سوسیالیسم به تمامی مصائب و عقب ماندگی و تبعیض ها که ناشی از حاکمیت سرمایه داری است پایان خواهد داد. نه فقط توهم است، که کافی هم نیست مثل اروپای امروز شد، تنها راه واقعی این است که دست در دست کارگران و مردم آزاده جهان و بویژه اروپا، جهانی شایسته انسان، بمراتب بهتر از بهترین های امروز، ساخت.

## نامه های شما

همچنان پابرجاست و باید شب و روز کار کرد و آنرا خشکاند. به پیام بهرام مدرسی در همین شماره رجوع کنید. در ضمن آناهیتای عزیز نامه هایت را معمولا با عجله مینویسی و کلمات را بهم می چسبانی. گاه اوقات خواندن آنها دشوار است. لطف کن پیش از ارسال یکی دو بار آنها را بخوان و ادیت کن.

### ایمان شیرعلی آلمان سیفون را خواهیم کشید!

«جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی با سرعت خیره کننده ای به بستر اصلی مبارزه و محور سرنگونی رژیم تبدیل میشود. گوشه گوشه میدان مبارزه علیه رژیم اسلامی جای پای حزب کمونیست کارگری و اعضای اوست که پیش از هر چیز به چشم میخورد. کنگره ای که حزب کمونیست کارگری پشت سر گذاشت مهر تاییدی بود بر انگیزه، عشق، توان و قدرت حزب برای رهبری انقلاب و تصرف قدرت سیاسی و مقطعی شد که جامعه حزب کمونیست کارگری را به عنوان مربوط ترین، مطرح ترین و مناسب ترین آلترناتیو رژیم اسلامی دانسته و حزب را به مثابه حرف، تصمیم، انتخاب و قدرت خود به رسمیت بشناسد. تنها کمونیسم کارگریست که راه رهایی بشر را میداند. تنها کمونیسم کارگریست که میخواهد و میتواند جامعه را از شر انواع و اقسام هیولاهای ماقبل تاریخ خلاص کند. باید به کمونیسم کارگری پیوست و آینده و سرنوشت خود را بست گرفت. بروی این کثافات تاریخ این ماییم که سیفون را خواهیم کشید.»

### سیروان فتاحی (ایران) مقابله با فیلترها

«سلام امیلوارم موفق باشید. دوست عزیز میخوام که آدرس سایت های فیلتر شکن را برابم بفرستید.»  
سیروان عزیز، چرا عضو گروه جوانان کمونیست در یاهو نمی شوید؟ همین چند روز پیش یکی از اعضای گروه (حامد راد) توضیحات مفصلی در مورد چگونگی دور زدن فیلترها ارسال کرده بود.

### عبدالجلیل زایدلی سوئد محاکمه صدام و...

مقاله ای خطاب به سران جمهوری اسلامی نوشته اند و گفته اند که محاکمه صدام پیروزی یک باند جنایتکار بر باند دیگر است اما محاکمه شما توسط مردم انقلاب و دادگاههایشان فرا خواهد رسید.

### از ولادگ شبنوا

#### در باره حدیث و عرب

«با سلام خدمت شما. مقاله تان را خواندم. (تبلیغات ضد عرب ممنوع، جوانان کمونیست ۱۱۹) ممنون که

این مطلب (یک حدیث ارسالی) را به نقد کشیدید و بر نادانسته های ما افزودید. چند نکته باید در توضیح برخی نکات ارائه دهم.

اول اینکه متن حدیث در باره حسین ابن علی است، یعنی امام سوم شیعیان نه امام علی که شما در جای جای مقاله به اشتباه حدیث را از وی نقل کرده اید. دوم اینکه در مورد بحث عرب و هویت عربی امروزی با شما موافقم. امروز حتی مصری ها هم که اصلا هویتشان عربی نبود خود را عرب می شمارند. ما ایرانی عرب هم داریم. در مورد لغت ایرانی که فرمودید در متن عربی حدیث نیست، باید گفت که «عجم» در معنای عام و مطلق یعنی غیر عرب و در معنی خاص یعنی ایرانی. و هرگاه به عنوان ملک و مملکت به کار رفته منظور کشور ایران است و اگر به صورت جمع به کار رود یعنی ایرانیان. سنایی مینویسد: عجم سزد که بنیاد از عرب که عجم از خشک مغزی اعراب خشک لب گشتند! البته این شعر خود دلیلی بر عرب ستیزی یا به عبارتی بهتر نفرت از عرب در طول تاریخ ما است. به اعتقاد من اعراب قربانی اسلام نمی باشند، بلکه این اسلام بود که در ۱۴۰۰ سال پیش آنان را از بادیه نشینی و وحشیگری رهانید و متحد کرد و در قالب یک قوم و بعدا یک کشور درآورد. وعده فردوس و دوزخ اسلام بود که با آنان ایمان برای نبرد و جنگ و کشورگشایی میداد و باعث شد از خاور تا باختر را زیر سلطه خود درآورد.

شاید بتوان گفت که اعراب امروزی قربانی اسلام آتروز یعنی ۱۴۰۰ سال پیش است. اگر مبلغان و مجتهدان دینی در طول تاریخ دچار جمود مغزی نبودند امروز مسلمان جهان و بخصوص اعراب اینچنین خرافه پرست و در بند جهل نبودند.

دین در مقطعی از زمان و تاریخ شاید برای نوع بشر مفید و حتی لازم بوده و پاسخگوی نیازهای درونی و سوالات و ابهاما حل نشدنی شان بوده است. اگر برای بشر ۱۴۰۰ سال پیش نظریه داروین گفته میشد راهی جز جنون در پیش نداشت! (اگر چه امروز هم بسیاری از این دست!) ناگفته نماند که خود شما هم از این حدیث استفاده تبلیغاتی کردید. چرا که در جای جای مقاله تان فرمودید که به این دلیل و آن دلیل این حدیث جعلی است ولی در آغاز سخن گفتید که این حدیث خوی وحشیگری و... اعراب و فرماندهان صدر اسلام را نشان میدهد. اگر این حدیث جعلی است پس چنین استنباطی هم نمی توان کرد.

در پایان هم تقاضا دارم مرا با نام مستعار شبنوا (که نام بلاگ هست) مورد خطاب قرار دهید. با سپاس فراوان از شما دوست عزیز.»

شبنوی عزیز، تشکر از نامه تان. آنچه که جعلی دانستم خود حدیث نیست. (در این زمینه هیچ تخصصی ندارم!) بلکه بنظر تقابل بین ایرانی

و عرب که از آن حدیث می خواهد نتیجه گرفته شود، امری جعلی و غیر تاریخی است. بحث نیز صرفا بر سر لغت عجم (که بقول شما معنای عام و مطلق آن غیر عرب است) نبود، بلکه بر سر این بود که اصولا ایرانی و عربی که ما امروز میشناسیم و هویت ایرانی و عربی که امروز موجود است بسیار فرق دارد با قبائل آتزمان. همه کوشش من این بود تا نشان دهم که ناسیونالیسم ایرانی نفرت بحق مردم ایران از اسلام را به نفرت ضد عربی تحویل میکند و این بسیار خطرناک و بسیار ضد بشری و اتفاقا به نفع اسلام و حکومت اسلام است. امیلوار بودم شما به نکته اصلی بحث ما بپردازید. (در همین نامه تان نیز هنوز نکاتی در همان خط ضد عربی ناسیونالیسم ایرانی هست که فعلا به آنها نمی پردازیم و به مطالب شماره ۱۱۹ اکتفا میکنیم.) اما یک نکته را ضمن تشکر از شما آماده ام بپذیرم و آن اینکه حدیث به نقل از امام سوم است نه علی. عرض کردم که تخصصی در این زمینه ندارم!

### کیوان از تبریز

#### یک ملا کتک خورد

در نامه ای به اسد کلچینی: «دیروز (چهارشنبه) در خیابان تربیت در تبریز هنگامی که هدایای مردم برای بم را جمع میکردند یک ملا میخواست در کار مردم دخالت کند که توسط مردم و جوانان مورد حمله قرار گرفت و کتک مفصلی خورد تا ماموران نجاتش دادند. جات خالی که ببینی چه کتکی خورد!»

### رضا آزاد (ایران)

#### چرا چاپ نکردید!

«سلام آقای مصطفی صابر من رضا هستم از ایران. میخواستم یک انتقاد کنم. آقای حامد راد یک بار در نشریه در مورد تاریخ مذهب مقاله ای داشتند. (تاریخ یک بیماری) من منتظر بودم ادامه آن را در نشریه این هفته ببینم. اما شما آنرا چاپ نکردید، چرا؟ به نظرم این مقاله بسیار جالب است. شاید شما آنها را بدانید. اما در ایران ما در خفقان هستیم. حامد راد خوب این مطلب (مذهب) را باز کردند. من از ایشان در سایت های دیگر زیاد مطلب دیدم. من و خواهرم و چند تن از فامیل آن را دنبال میکردیم. ما اصلا نمی دانستیم مذهب چنین تاریخی دارد. لطف کنید در نشریه جواب من را بدهید. ممنون.»

رضای عزیز، خوشحالم که مقاله حامد عزیز برای تو و دوستانت چنین مفید بوده است. قسمت دوم نوشته ایشان را چاپ نکردیم ولی هفته قبل در همین ستون خلاصه ای از آن را گفتیم. رضای عزیز، ما از محدودیت صفحات رنج میبریم و فعلا هم هیچ چاره ای نداریم. همین الان مقالات دیگری در نوبت هستند. مقاله دوم آقای راد گرچه نکات خوبی داشت، اما اساسا از چهارچوب مقاله اول فراتر نمی رفت، بعلاوه نکاتی هم

داشت که به نظر من جای صحبت داشت. یعنی می بایست روی آنها بحث باز میکردیم و حجم بیشتری میگرفت. کار انتخاب مطالب دارد سخت تر و سخت تر میشود و باور کنید از اینکه قادر نیستیم همه مطالب را چاپ کنیم بیشتر از شما افسوس میخورم! اینرا باید طور دیگری جبران کرد. سایت های دیگر، سایت روزنه، گروه یاهو و... میتواند راه حلی باشد. بدنیوسله از آقای راد خواهش میکنم قسمت دوم را برای شما بفرستند.

### عزت ملکی کانادا

#### افتاع و داریوش آریان

«رفیق مصطفی عزیز، با تبریکات سال نو به تو و همه رفقای دست اندر کار نشریه و امید به هرچه محبوب تر شدن نشریه در میان میلیونها جوان تشنه آزادی و برابری. میخواستم چند کلمه در تحسین و تشویق سبک کاری که برگزید ای برایت بنویسم که متأسفانه تا کنون فرصت نکرده ام. از این فرصت استفاده کرده به تو و همه رفقای دخیل در نشریه دست مرزاد میگویی. مصطفی جان در مقاله خواندنی «نیچه و غریزه بورژوا» در شماره ۱۲۱ در جواب به داریوش آریان، در آخرین پاراگرافها نوشته بودی که «آنها (کمونیستهای روسی و چینی و غیره) خوشایندان شمایند.»

فکر میکنم آن صعه صدر و صبر و رویه افتاع همیشگی ت را از دست داده بودی و خواننده جریزه داری که تفکرات رایجی که هر روزه توسط سیستم سرمایه داری بازتولید شده را در نشریه مطرح کرده است، در یک جمله و شتابزده به صف خیل سرمایه داران و پاسداران این نظام ضد بشری هل دادی... مصطفی عزیز، فراموش نکن سردبیر و یا هرکسی که نوشته و یا نظری را نقد میکند، تمام فکر و حواشش به این است که نادرست بودن آن نوشته و یا نظر را با دلایل روشن و قانع کننده ای به خواننده نشان دهد... با آرزوی موفقیت برای تو و همه عزیزان دیگر، دستت را به گرمی میفشارم.»

عزت عزیز از جانب رفقای زیادی که برای این نشریه زحمت میکشند از اظهار لطف تو تشکر میکنم. بحث با آقای داریوش آریان مفصل و مشروح در دو شماره آمد و امیلوارم که بازم ادامه پیدا کند. میخوام بگویم در «یک جمله» ایشان را خوشایند سرمایه داری دولتی روسیه و یا چین خطاب نکردم. بلکه با حوصله ای که صفحات محدود نشریه ما ایجاب میکند سعی کردم توضیح دهم که سرمایه داری بازار آزاد غرب (که مبنای ایدئولوژیکش را از لیبرالیسم میگرد) با سرمایه داری دولتی شرق (که پایه های ایدئولوژیکش انواع سوسیالیسم های بورژوازی است) در اساس غرابت و نزدیکی زیادی دارند

### مزدک نوسی (تهران؟)

#### هنر و مارکسیسم

مزدک عزیز، مطلب قابل بحث شما با عنوان «هنر و مارکسیسم» بدستمان رسید. خیلی متشکریم و امیدواریم که بتوانیم در شماره های بعدی به آن بپردازیم.

### حسین آذرخشی، سوئد

#### تجزیه حقوق بشر

طی مقاله ای سخنان شیرین عبادی هنگام گرفتن جایزه صلح نوبل را مورد نقد قرار داده اند و در پایان نوشته اند: «ولی امیلوارم که خانم شیرین عبادی بدانند که برای مردم ایران و تک تک افرادی که توانسته اند از جهنم جمهوری اسلامی فرار کنند کلمه حقوق بشر اگر به تک تک کلمات تجزیه شود: (ح) آن به معنی حق کشی و خلق آویز کردن مردم در ملا عام؛ (ق) آن به معنی قتلهای زنجیره ای؛

(و) آن به معنی ورود بلون مجوز ماموران انتظامی به خانه های مردم؛ (ت) آن قتل عام مردم بیگناه و دانشجویان و آزاد انیستان ایران؛ (ب) آن به معنی به دار آویختن انسانها در میادین شهر؛ (ش) آن به معنی شلاق زدن زنان و جوانان در انتظار عمومی؛

و بالاخره (ر) آن به معنی رواج فحشا و اعتیاد در بین جوانان معنی میدهد نه چیز بیشتر. بله حقوق بشر در ایران چیزی بیشتر از اینها نیست.»

### سروش دانش تهران

#### انگیزه در جامعه کمونیستی

نوشته خوب شما رسید. مترصد چاپ آن هستیم. خیلی متشکر.

### تشکر و تبریک سال نو

دوستان سال نو میلادی را به بهرام مدرسی و سازمان جوانان کمونیست به کارکنان نشریه و من تبریک گفته اند که بدنیوسله تشکر میکنیم و سالی پر از موفقیت برای همه آرزو میکنیم.

اتاق جوانان کمونیست یاهو گرم و گیراست:

<http://groups.yahoo.com/group/javananekomonist/>

## نمایشنامه تلخ و درخت کریسمس!

### لینک

علی فرهنگ



ارغوان ها

<http://arghavanha.blogspot.com>

یک روز در بازار تهران امروز برای کاری رفته بودم بازار تهران. چیزهایی دیدم که مثل یک «نمایشنامه تلخ» از جلوی چشمهام میگذشت. از کجا شروع کنم؟ فکر کنم از اولش بهتره...

برده اول (رفتن به سمت بازار): خودم رو رسوندیم به ایستگاه مترو که سریعتر برسم به بازار. بلیط شصت و پنج تومنی مترو رو خریدم و منتظر شدم تا مترو برسه. خیلی شلوغ بود ایستگاه و وقتی مترو رسید همه با شوق و اشتیاق هرچه تمام تر به سمت درها هجوم آوردند. من صبر کردم تا شاید سوار شوم و جایی هم به من برسه. یک دفعه دیدم دست محکمی خورده به پشتم و صدایی بعد از اون اومد که: آقا آقا که نخای هل بدی جا بهت نمی رسه. هل بد برو تو!

برده دوم (داخل مترو): سرم پایین بود و داشتم با خودم فکر می کردم که دیدم آدماسی به سمتم دراز شده و نگاهی التماس آمیز که اون آدماس رو بخرم. دختر ریزه میزه ای که هفت سالش هم نمی شد با پوست سوخته و یک ویک روسری سبز و قرمز و یک جفت دمپایی. بهش گفتم از کی کار می کنی؟ گفتم از ساعت هفت صبح یا زودتر. همش سوار این قطارها می شم. باهاش می رم و میام و به مردم داخل قطار آدماس می فروشم. گفتم بابات یا کسی مجبور می کنه؟ گفتم آره. آقا نیام اینجا می انانزم به جون «پادراز». گفتم پا دراز کیه؟ گفتم: یک سگ سیاه کنده. این رو که گفتم مردمک چشمش می لرزید.

برده سوم (داخل بازار): داشتم به داخل حجره ها و مغازه ها نگاه می کردم و به چاکرم و نوکرهای بازاری ها که واسه هم تکه پاره می کردن و دروغهایی که برای چندرغاز برای هم می بافتن گوش می دادم و می رفتم که یه چیزی به بغل تنم کشیده شد. خودم رو کشیدم کنار که راحت رد بشه. باربر بود. پیرمردی بود که یه چیزی شبیه خورجین انداخته بود رو دوشش و پارچه حمل می کرد.

یک جا نمی دونم پاش به چیزی گیر کرد یا خسته شد که خورد زمین و بارهاش افتاد رو زمین. دو تا جوان که معلوم بود بارها مال اونهاست اومدن جلو. من تقریباً رسیدم بودم به اونها. یکیشون می گفت: ای حیف نون. نتونستی عین آدم راه بری؟ کار خر هم بلد نیستی؟ ببین جنسها رو چی کار کرد بی مصرف. پیرمرد بیچاره هم فقط نگاهشون می کرد. هنوز هم که به چشمش فکر می کنم دلم می لرزه.

برده آخر (برگشتن از بازار و باز هم داخل مترو): روی صندلی های دوتایی مترو دو نفر نشسته بودن. یکی شصت و یکی دو ساله و اون یکی به چهل تا چهل و پنج ساله می زد. جا دیگه نبود. من هم رفتم و استادم و تکیه داده بودم به انتهای مترو. نزدیک اونها. شروع کردن به حرف زدن.

- خوب، حاج آقا زود تعطیل کردیدی؟  
- آره دیگه، پنج شنبه ها بازار تق و لقه.

- البته شما که کارتون سکه است.

- ای بابا، آب باریکه ای هست. خانواده خوین؟

- اونها هم خوین. سلام دارند خدمتتون.

- سلامت باشین. راستی کارتون به کجا کشید با دختر حاج حسین.

- هیچی. بعد از کلی رفتن و آمد خلاصه دادش بهمون. دختر نجیبیه. بلون اجازه من حتی آب هم نمی خوره. براش یک خونه جنا گرفتم که غرغراهای حاج خانوم رو نشنون.

- مگه چیزی می گه حاج خانوم؟

- ای، یک چیزهایی می گفت اولش. اما دیگه خودشم فهمیده که دیگه چیزی مالی نیست! زن جماعت مثل پارچه می مونه. تا وقتی نو هست خشکله و به درد بخور. وقتی چرک شد باید بری یکی نوش رو گیر بیاری.

بعد هم خنده گوش خراش هر دو!!!!

سایه

<http://afsoon.blogspot.com>

زلزله در روزهای من

جمعه: از سر صبح تو نمایشگاه بودم. حسابی شلوغ. مردم با سوالهای پرت و پلاشون خسته ام کردن. دلم می خواد بهشون بگم مجبور نیستید به زور ابراز وجود کنید. یه پسر بچه ده دوازده ساله به عرفه نزدیک می شه. دست می کنم توی کشو و بهش یکی دوتا خودکار و کاتالوگ و ... می دم.

## تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه  
۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر  
به وقت تهران  
ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: [wpi\\_tv@yahoo.com](mailto:wpi_tv@yahoo.com)

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

## طول موج جدید

### رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد.

## برنامه رادیویی سازمان

### جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۱۵ تا ۹:۳۰

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

## تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0031-613248331

0049 1632693033

0046 70 678 1198

001 604 730 5566

0044 77 61 10 6683

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک:

شیوا فرهمند

مجیدپسنچی

نیز احمد زاده

حامد خلکی

سامان احمدی

فرشاد پویا

ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی

مشاور دبیر: ثریا شهابی

آدرس پستی: Javanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

## به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان  
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

[www.jawanan.org](http://www.jawanan.org)

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)

[www.medusa2000.com](http://www.medusa2000.com)

[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

[www.childrenfirstinternational.org](http://www.childrenfirstinternational.org)

از این سایت ها دیدن کنید: